در گفت‌وگوی محمدرضا تاجیک با «مردم‌سالاری» مطرح شد:

آزمون «ساختن آینده بهتر»

سیستم مدیریتی در چند سال گذشته، یک سیستم کلنگی بود

گروه سیاسی_ ایران صدرایی: ایران کشوری است با پیشینه‌ای بیش از دو هزار سال که اندیشمندان و بزرگان زیادی را به خود دیده است. در هر دوره تاریخی این کشور به دست جریان و یا سلسله‌ای خاص اداره شد و اکنون مدیریت این کشور به نظام جمهوری‌اسلامی رسیده است. پس از گذشت بیش از نیم قرن از این نظام و وجود تجربه‌های گوناگون مدیریتی، چالش‌هایی رخ نموده است که در عصر کنونی به تدبیر ویژه‌ای نیازمند است. در این برهه باید پس از بررسی چالش‌ها، راهکارهای رفع آن نیز ارائه شود تا امیدها و آرزوهای ملت ایران پس از قرن‌ها محقق شود.

محمدرضا تاجیک، متولد ۱۳۳۷ در تهران، نویسنده، مترجم و فعال سیاسی اصلاح‌طلب است. او دکترای «تحلیل گفتمان در سیاست» را از دانشگاه اسکس انگلستان دریافت کرده و از سال ۱۳۷۴ در دانشگاه شهید بهشتی تدریس می‌کند. دکتر تاجیک در دوران ریاست‌جمهوری سید محمد خاتمی (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴) مشاور رئیس‌جمهور و رئیس «مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری» بود. در گفت‌وگوی روزنامه مردم‌سالاری با وی سعی شده چالش‌های مدیریتی در ایران بررسی شود و راهکارها با توجه به شرایط موجود مورد ارزیابی قرار گیرد.

دکتر تاجیک ضمن توصیف ادیبانه از شرایط کنونی کشور معتقد است که سالیان برف بی‌بنفشه را پشت سرگذاشته‌ایم و وارد دوره‌ای جدید شده‌ایم که باید چیزهایی را برای مردم روشن کرد. در ادامه مصاحبه روزنامه مردم‌سالاری را با محمدرضا تاجیک می‌خوانید.

آقای دکتر در ابتدا بفرمایید در حال حاضر کشور ما درچه شرایطی قرار دارد؟

سالیان پربرف اما بی‌بنفشه‌ای را تجربه کردیم. اکنون، در آستانه تجربه دورانی دیگر و مدیریتی دیگر هستیم. شاید در این شرایط گشت و بازگشت تاریخی نیازمند آن باشیم که همچون فوکو درگیر نقد فلسفی زمان حال یا تاریخ اکنون خود شویم و بپرسیم: «امروز چه اتفاقی می‌افتد؟ اکنون چه اتفاقی می‌افتد؟ و این «اکنون» که ما ایرانیان در آن زیست می‌کنیم چیست؟» و بپرسیم که در این ایام حساس و پیچیده، این ره که می‌رویم به کجا ختم می‌شود؟ «راه» کدام است، «افق» کجاست، «رهرو» کیست، و «همره» کدام است؟ تا کی می‌خواهیم این «راه» و این «رفتن» را هدف خود قرار دهیم؟ تا «کی» و تا «کجا» می‌توانیم به این‌نوع بازی و بازیگوشی ادامه دهیم؟ چه زمانی می‌خواهیم اندکی تأمل کنیم و از «ایام آتی» با مردم سخن بگوییم؟ بگوییم که مردم می‌باید منتظر چه باشند؟ بگوییم که مردم خود را باید برای مواجهه و مقابله با چه پدیده‌ها، حوادث و بحران‌هایی مهیا سازند؟ بگوییم که این مردم باوفا از آن‌چه در این سالیان کشته شده باید انتظار برداشت چه نوع محصولی را داشته باشند؟ بگوییم منزلت و موقعیت ایران و ایرانی در جهان پرتلاطم و پرمخاطره آینده چه خواهد بود؟ بگوییم چه کسانی بر شاخه نشسته‌اند و بن می‌برند؟ چه کسانی در عرصه‌ها و ساحت‌های گوناگون جامعه امروز ما به‌مثابه «قفل» و نه «کلید» نقش‌آفرینی می‌کنند؟ چه کسانی مانایی و پویایی خود را در ایجاد بحران تعریف کرده و هر روز از منجنیق آنان بلایی نثار مردم می‌گردد؟

برای ایجاد مدیریت با ثبات چه باید کرد؟

تاریخ اکنون ما، یکبار دیگر بساط آزمون «ساختن آینده بهتر» گسترده است. در این آزمون، مردم ما باید تلاش کنند آینده را از رهگذر ردگیری آثار و نشانه‌هایش که در سرزمین «گذشته» و «حال» باقی گذارده است، مورد تعقیب قرار دهند. آنان باید «آینده» را که در زمان «گذشته» و «حال» مخفی است، بیابند و سپس اراده کنند که آن را محقق سازند. یعنی تلاش کنند به‌جای پیش‌بینی تجریدی، تحلیلی و ذهنی آن‌چه در آینده رخ خواهد داد، بدیل‌های مناسبی ارائه نموده و مناسب‌ترین آنها را به‌مورد اجرا گذارند. آنان باید بدانند که: «امروز همان چیزی هستند که دیروز اراده کرده‌اند و انجام داده‌اند و فردا آن‌چیزی خواهند بود که اکنون اراده می‌کنند و انجام می‌دهند». آنان باید بدانند که مقدمه ساختن آینده، عادت دادن خود به ادراک واقعیت‌های آزاردهنده‌ای است که هیچ‌گاه تمایلی به دیدن و شنیدن و فهم آنان نداشته‌اند.

برای جبران فرصت‌های از دست رفته چه باید کرد؟

در این شرایط خطیر، اربابان تصمیم و تدبیر ما نیز باید تلاش کنند که زیستی «در زمانی» (نه «بر زمانی») داشته باشند، گذشت سریع ایام را احساس کنند، و از دست دادن فرصت‌های تاریخی روح و روان آنان را بیازارد. باید خرامان‌خرامان طی طریق کردن و سر هر کوی و برزنی توقف کردن و لحظه‌ها را در ستیزشِ با یکدیگر گم کردن و در انتظار آمدنِ «آینده»، «حال» را نیز از دست دادن، ترک کنند. باید خودَ را از هزارتوی انگاره‌های خود برهانند و بپذیرند که رود زمان شتابان در حال گم شدن در افق است و اگر نجنبند از موج‌های سبزش جز کفی نصیب آنان نخواهد شد و بپذیرند تا زمانی که همچون مرغکان خسته سنگین‌بال در کلبه نمناک انگاره‌های خود به انتظار نشسته‌اند، و خیره در افق و با خود می‌گویند: شاید رود زمان برگردد باز با یک سبد پر پرواز، شاید روزی آن سفرکرده حلقه بکوبد بر در، شایَد که بیاید و بماند، شاید، به مرام ما درآید، چیزی جز نکبت و فلاکت نصیب نخواهند برد.

اولویت‌های دولت جدید برای ترمیم چالش‌ها باید چه باشد. آیا چالش‌ها باید به صورت هماهنگ حل شوند و یا اینکه باید راه دیگری را در پیش گرفت؟

صاحبان تصمیم و تدبیر اکنونِ ما باید درک کنند که موقعیت کنونی آنان، موقعیتِ ملَوانی است که همزمان باید باد را پیش‌بینی کند که دَر حال شروع به وزیدن است و در همان زمان عجله کند که به نقطه امنی برسد. اما هیچ راه برون‌رفتی از شرایط موجود، وجود ندارد که وضعیت موجود را به چالش نکشد، حتی اگر به این نتیجه منتهی گردد که وضعیت موجود بهترین حالت ممکن است». وضعیت موجود ما، اگرچه ریشه در تاریخ دارد، اما آن‌چه در این شرایط روح و روان و جسم مردم ما را آزار می‌دهد، عمدتا آثار بلافصل مدیریت کلان جامعه در هشت سال گذشته هستند. بسیاری از آنانی که در این هشت سال پستی را اشغال کرده بودند، به‌رغم پز عالی جیب‌های کاملا خالی از دانش و تجربه مدیریتی داشتند. در زمینه مهندسی اجتماعی و سیاسی (آن‌هم در این دنیای پیچیده) روی‌هم‌رفته دو تا کتاب هم نخوانده بودند، اما هیچ صاحبِ تخصصی را در این زمینه به شاگردی نیز نمی‌پذیرفتند. به اصطلاح، بسیاری از اینان، اساتید مکتب‌ندیده‌ای بودند که از روی غریزه ذاتی به تدبیر منزل می‌پرداختند. گویی خداوند این نوع آدمیان را اساسا به سیما و سرشت و هیبت یک مدیر آفریده بود. افزون بر این، بسیاری از آنان از مدیریت حرفه‌ای نصیبی نبرده بودند. از این‌رو، امور هر اندازه که پیچیده بودند، زمانی که وارد حریم ذهن آنان می‌شدند تمامی پیرایه‌ها و آرایه‌های خود را کنار گذارده و به یکباره عریان و بسیط می‌گردیدند و حقایق نهان خود را آشکار می‌ساختند. ذهن تحلیلی-تجریدی بسیاری از این مدیران غیراستاندارد، برای تدقیق و تدبیر یک مساله، اساسا نیازی به «داده» (اطلاعات) نداشت. پنداری نوعی اینهمانی میان ادراک آنان و امر واقع وجود داشت. اگر ویتگنشتاین معتقد بود که «دنیای من دنیای زبان من است»، اینان معتقد بودند که «دنیای ما و حتی دنیای دیگران، دنیای ذهن ماست، و آن‌چه در این عالم ذهن نگنجد، یکسره وهم است و خیال و باطل.» از این‌رو، کمتر مایل بودند بر این واقعیت صحه بگذارند که تحولات روش‌ها و منش‌های مدیریتی بسیار سریع‌تر از سرعت ادراک آنان حادث می‌شوند، و بالمآل، تدبیر آنان همواره فرسنگ‌ها با استانداردهای روز مدیریتی فاصله دارد. طبیعت سرد و مشرب سهله آنان، به تقویت غیراستاندارد بودن کنش مدیریتی آنان یاری بسیار رسانده بود. هر جا کم می‌آوردند و هر جا درمی‌ماندند، خیلی خود را اذیت نمی‌کردند و حوالت آن امر (مشکل) را به تاریخ می‌دادند و بر دست‌های آشکار و نهان توطئه‌گر بس اشارت‌ها می‌کردند. در ساحتِ این مشرب مدیریتی، اساسا امر «فوری» و «حیاتی» فاقد معنی و موضوعیت بود. در این مشرب، عجله کار شیطان بود. تقدم و تاخر امور هم موضوعیتی نداشت. همه امور در نزد اینان، همانند آدمیان در نزد خداوند، یکسان بودند. بنابراین، هیچ تضمینی وجود نداشت که یک امر «فوری» و یا دارای «اولویت»، اسیر مرور زمان و هزارتوی پر پیچ‌وخم مناسباتِ بروکراتیک نشود. پنداری این‌گونه امور نیز، اموری تجریدی و نسبی و ذهنی بودند و هر کس بر اساس مقتضیاتِ مدیریتی و ذهنی خود، فوریت و اولویت آن را درک وَ فهم و تعریف می‌کرد.

گاهی مواضعی در اجرای برنامه توسعه‌ای خصوصا در دولت نهم و دهم شاهد بودیم که مقامات اجرایی برنامه را قبول ندارند و به آن عمل نمی‌کنند برای رفع این معضل چه باید کرد؟

در سطح ساختار مدیریتی نیز، سیستم مدیریتی در چند سال گذشته، اساسا یک سیستم کلنگی بوده است، و هم‌چون یک ساختمان کلنگی از بنیان محکمی برخوردار نبوده است. از این‌رو، با وزش هر بادی و تغییر هر رئیسی، کل نظم یک سیستم فرعی دستخوش تلون و تشتت می‌شد و بقیه تیم مدیریتی نیز هم‌چون بازی دومینو فرومی‌ریخت. هشت سال گذشته، دوران تجربه مدیریتِ آقای خاص در کشور ما بود: مدیریتی که تلاش داشتَ نه تنها جامعه مردمان را، بلکه جامعه نخبگان و مدیران را با سلایق و علائق خود هماهنگ و همسو کند. حکایتِ این آقای خاص حکایت نقاشی بود که در حال کَشیدن تصویری از معشوقَ خود، سخت در تلاش بود تا معشوق را شبیه تصویر گرداند، نه بالعکس. این نوع مدیریت، از آن‌رو که هر نوع تقریر، انشاء و تصویر صورت و سیرتِ راستین و کارآمد تدبیر منزل را تنها بر صورت و سیرت سائق‌های خود می‌پسندید، و هر نقشی در آینه جامعه را، نقش خود و نه نقش آن آینه می‌دانست و می‌پذیرفت، همواره در تلاش بود تا با ویراستاری مجدد متن اداره جامعه، آن را به‌گونه‌ای تصحیح، ترمیم، تحدید، تنظیم، تحریف، تعریف و تصویر نماید که در آن هر بی‌رنگی اسیر رنگ آنان شود و بت‌های ذهنی و میلی آنان بر سر هر کوی و برزن شهر نصب گردند. در فرایند این تلاش وارونه، آن‌چه متحقق می‌شود، در واقع، فشرده و مستحیل‌شدنِ انگاره‌ها و تصویرها و سائق‌ها و میل‌های تمامی آحاد جَامعه در انگاره و تصویر و سائق واحدی است که مقبول این بازی‌پیشگان سیاسی است. در این حالت، این مردم هستند که باید سائق‌های خود را در جهت ارضای نیازها و امیال افراد خاص تقلیل دهند. بی‌تردید، نتیجه چنین فرایند وارونه‌ای چیزی جز پایان تمدن، مدنیت، جامعه و سیاست نیست.

نظریه‌های توسعه بر این موضع توافق دارند که توسعه از بالا به پایین نیست بلکه همه جامعه باید نسبت به فرهنگ توسعه آگاه باشند و در واقع نیاز به اراده ملی است، برای تحقق آن چه باید کرد؟

اکنون، چنان‌چه بپذیریم جوهر تدبیر عمومی یا مدیریت، تصمیم‌گیری و اتخاذ تدابیر فردی یا اجتماعی (هر نوع عمل اعم از اعمال فرد، گروه، سازمان و یا هر نظام اجتماعی) است، و این تدابیر می‌توانند مربوط به شناخت وضع موجود (موقعیت، وضعیت و مرحله‌ای که در آن هستیم)، آینده‌پردازی (چشم‌انداز ملموس دست‌یافتنی برای مخاطبان)، ارائه راه‌های تحقق آن، و اجرا (اعمال مبتنی بر این شناخت، آینده و راه‌ها) و اصلاح (نظارت، ارزیابی و اتخاذ تصمیم برای انطباق) باشند، و نیز، بپذیریم که تصمیم‌گیری یا تدبیر حکیمانه فرآیندی‌است که در آن تصمیم‌گیرنده (فرد، گروه، سازمان یا نظام اجتماعی) برای تدبیر امور فردی و اجتماعی خویش با بهره‌گیری از علوم و فنون (فناوری یا توانمندی)، هماهنگی با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، و شناخت شرایط حاکم بر موضوع (پذیرش اجتماعی، و شناخت عوامل تأثیرگذار داخلی و خارجی، انتخاب ابزار و امکانات مناسب) تدابیر خود را اتخاذ می‌نماید، آن‌گاه دولت جدید باید ضمن درک صحیح اصول و مبانی و پایبندی و التزام به آنان، و شناختی علمی و واقعی از شرایط حاکم (آسیب‌ها، تهدیدات و فرصت‌ها) بر محیط داخلی و خارجی جامعه، و به‌کارگیری تیمی از نخبگان کاربلد و کارآمد و آشنا با مهارت‌های بهره‌گیری از علوم و فنون تدبیر (مدیریت)، بستر را برای اتخاذ تصمیمات و تدابیر حکیمانه‌تر، مهیا سازند. جامعه ما در تاریخ اکنونش، بیش و پیش از همیشه نیازمند مدیرانی است که سلایق و علایق مدیریتی خود را به‌گونه‌ای جامه عمل بپوشانند که از نظر اجتماعی و فرهنگی و ارزشی مورد تایید و توام با رضایت و منفعت و مصلحت انسان و جامعه ایرانی باشد، و از نظر روابط و مناسبات خارجی نیز، مورد تنفر و انزجار جامعه بین‌المللی نباشد. به بیان دیگر، مصالح و منافع جمعی و ملی را بر مصالح و منافع شخصی و گروهی خود ترجیح دهند، ثانیا، تصویر و تعریف خود از جامعه و آینده آن را به‌عنوان زیباترین و شایسته‌ترین و بایسته‌ترین تصویر و تعریف فرض ننمایند و به هر طریق ممکن تلاش نکنند آن را به جامعه و آحاد جامعه حقنه کنند، ثالثا، مدیریت و سیاست را از خود آغاز کنند و تدبیر انگیزش‌های اولیه و معطوف به قدرت خود بستر و مجالی برای شکوفایی بیش‌تر تمدنی و فرهنگی این مرز و بوم کهن فراهم آورند.

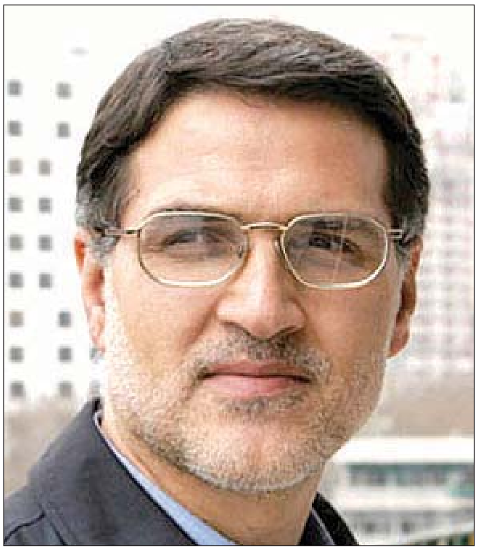

بازخوانی

۱۳۸۶: هاشمی: باید صبر کرد و مایوس نشد

هجدهم تیر ماه ۱۳۸۶ علی اکبر هاشمی رفسنجانی رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام تنها راه حل فعلی برای کشور را برگزاری یک انتخابات خوب و سالم دانست و گفت: اگر تمام جریان‌های وفادار به انقلاب و میهن با همه امکانات خود وارد میدان انتخابات شوند، تا انتخابات خوبی برگزار شود قطعا نتایج را تحت تاثیر قرار می‌دهند و من هم کمک می‌کنم که حتی الامکان انتخابات سالمی برگزار شود تا کشور از این نگرانی‌ها عبور کند. وی تاکید کرد: باید سعی کنیم با رفتار خود انسجام و اتحاد را تقویت کنیم زیرا دعوا و نزاع سبب می‌شود تا نیروهای خود را مانند فلسطین در درگیری‌ها تلف کنیم و اختلافات اگر تشدید شود، مهار آن از دست انسان‌ها بیرون می‌رود. ما باید خیلی مراقب باشیم تا کشور تعادل خود را حفظ کند. وی در آن زمان در سفر به استان گیلان در جمع احزاب سیاسی این استان اظهار کرد: من نگرانی‌های شما را درک می‌کنم و تا حدود زیادی در آن سهیم هستم و البته ملاحظاتی نیز وجود دارد. ما هم اکنون با چالش‌های جهانی مواجهیم که از نوع جدیدی است و دشمنان جدی داریم. هاشمی رفسنجانی با بیان این که «باید صبر کرد و مایوس نشد» اظهار کرد: ما در هر شرایطی پس از پیروزی انقلاب همه متفق بودیم و اگر اختلافاتی است شما به خاطر خدا، کشور و انقلاب خسته نشوید.

۱۳۸۷: احمدی‌نژاد: نظام اقتصاد بین‌المللی به بن بست رسیده است

محمود احمدی نژاد ۱۸ تیر ۱۳۸۷ در سخنانی در ششمین اجلاس سران گروه دی هشت به اطلاع جهان رساند: پرواضح است که نظام اقتصاد بین المللی نیز به بن بست رسیده است. احمدی نژاد ادامه داد: قدرتهای سلطه گر رو به زوال هستند و نشانه‌های آن کاملا آشکار شده است. آنان در بن بست کامل قرار دارند و راهی برای برون رفت از آن در برابرشان نیست. باید برای آینده فارغ از سلطه گران، از هم اکنون برنامه‌ریزی کرد.

۱۳۸۸: انتقال اعلام نرخ تورم از بانک مرکزی به مرکز آمار؟!

هجدهم تیر ۱۳۸۸ رئیس وقت مرکز آمار ایران خبرداد : قرار است نشستی سه جانبه میان معاون اول رئیس‌جمهوری، مرکز آمار ایران و بانک مرکزی برای تعیین متولی اعلام رسمی نرخ تورم برگزار شود.

محمد مدد با بیان اینکه موضوع تعیین مرکز آمار ایران به مرجع تولید و اعلام رسمی نرخ تورم هنوز در حال بررسی است، افزود: هنوز نشست‌هایی که قرار بود در این خصوص با معاون اول رئیس جمهوری و بانک مرکزی برگزار شود، تشکیل نشده است. رئیس مرکز آمار ایران گفت: قرار است نشستی در این خصوص میان معاون اول رئیس جمهوری، بانک مرکزی و مرکز آمار ایران برگزار و موضوع متولی و مرجع اعلام رسمی نرخ تورم تعیین تکلیف شود. با این همه این اتفاق نیفتاد. به طوری که اواخر اردیبهشت ماه ۱۳۹۱، عادل آذر، رئیس بعدی مرکز آمار، بار دیگر از رفع ۳ عامل اختلاف برانگیز در محاسبه نرخ تورم بانک مرکزی و مرکز آمار خبر داد!عادل آذر با بیان اینکه آمارهای مهم اقتصادی براساس زمان‌بندی تهیه و به مسئولان کشور ارائه می‌شود، گفت: برای محاسبه نرخ تورم بر اساس تصمیم شورای عالی آمار تا زمانی که نرخ پایه مرکز آمار ایران که سال ۸۱ و سال پایه بانک مرکزی که ۸۳ است و نیز سبد کالایی بانک مرکزی که فقط شهری‌ها را در نظر گرفته و سبد مرکز آمار هم جمعیت شهری و هم روستایی را شامل می‌شود، یکی نشوند، نرخ تورم در طول این سالها همچنان از سوی بانک مرکزی اعلام می‌شود.

۱۳۹۰: پاداش یک میلیارد ریالی به یک مدیر بازرسی

هجدهم تیر ۱۳۹۰ رسانه‌ها خبر دادند:مدیرعامل یکی از شرکت‌های خودروسازی مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان بابت پاداش به مدیر بازرسی آن شرکت پرداخت کرده است. به گزارش یکی از سایت‌های اصولگرا، چندی پیش پرسنل این شرکت خودروساز که گفته می‌شود در بخش‌های متعددی به جریان انحرافی وابسته است، طی نامه‌ای سرگشاده نسبت به اقدامات مدیرعامل به ویژه انتصابات فامیلی و سوء استفاده‌های مالی آنان اعتراض کرده بودند. همچنین گفته می‌شود که مدیر بازرسی این شرکت به صورت گسترده علیه مخالفین مدیرعامل و جریان انحرافی پرونده سازی نموده است. در حالی چنین رقم بی‌سابقه‌ای به این مدیربازرسی، تحت عنوان پاداش پرداخت شده است که مشتریان این شرکت خودروسازی از قیمت بالای خودروهای آن که به هیچ وجه متناسب با کیفیت آن نیست گلایه مند هستند.

۱۳۹۱: طرح ارائه شده کواکبیان به خاتمی

هجدهم تیر ماه ۱۳۹۱ رسانه‌ها خبر دادند که مصطفی کواکبیان دبیرکل حزب مردم‌سالاری می‌خواهد با طرح «مناسک» اصلاح‌طلبان را از رخوت دربیاورد. در آن زمان اصلاح‌طلبان موضع منفعلانه‌ای در خصوص انتخابات ریاست جمهوری داشتند و تحرک چندانی در این طیف سیاسی به چشم نمی‌خورد. کواکبیان در آن زمان با اعلام این خبر که طرح خود را به سید محمد خاتمی ارائه داده است به هفته نامه آسمان گفت: هدف از طرح «مناسک»این است که به عنوان یک اقدام راهبردی هم مسیر اصلاح‌طلبان سراسر کشور توسط خودشان تعیین شود و هم رخوت و بی حالی جریان اصلاحات به پایان برسد. زیرا حالت فعلی قطعا برای انتخابات سال ۹۲ نه به نفع نظام و نه به نفع اصلاح‌طلبان است. طی این هشت سال خواسته ناخواسته مجموعه‌ای از نخبگان دلسوز، مدیران مجرب، سرمایه‌های اجتماعی، دانشمندان با کفایت، با انگ‌های مختلف منزوی و خانه نشین شده‌اند. وی در ادامه گفت: هدف از این طرح حمایت از نامزد واحدی است که البته شرایط دمکراتیکی برای انتخاب این نامزد در طرح تعبیه شده است. بنابراین هدف دیگر ما پیروزی در انتخابات است. البته هر یک از نامزدهای ریاست جمهوری واجد شرایط قانونی می‌توانند برنامه خویش را یا در مجامع استانی ارائه داده تا شبیه سیستم الکترال ایالت‌ها در برخی نظام‌های انتخاباتی دنیا نامزد برگزیده مشخص شود و همه طیف‌های حاضر در مجمع ملی هم با امضای منشوری متعهد شوند که از نامزد منتخب حمایت کنند.

وعده‌هایی که وعده ماندند

سعید شمس

محمود احمدی‌نژاد در شرایطی خودش را آماده ترک پاستور می‌کند تا جایش را به حسن روحانی بدهد، که منتقدانش ادعا دارند که خیلی از وعده‌های دولت‌های نهم و دهم همچنان در قالب وعده ماندند و احمدی‌نژاد و مهره‌هایش نتوانستند خود را دولتی مطرح کنند که کارنامه قابل قبولی دارند.

در این گزارش سعی شده است تا به بررسی وعده‌هایی پرداخته شود که با وجود مهم بودن، تلاش زیادی برای تحققشان مشاهده نشد.

تامین مسکن برای همه مردم جامعه، دادن سهام عدالت به اقشار بی‌بضاعت، شایسته‌سالاری و... اینها وعده‌های بود که دولت در طی این مدت به مردم ایران داده بود. در این گزارش سعی شده به بخشی از این موضوعات بپردازیم و ببینم تا کنون کدام یک از آنان عملی و کدام یک عملی نشده است.

خانه‌دار کردن همه ایرانیان با مسکن مهر

در سال ۸۶ که قیمت ملک در سراسر کشور، ناگهان بالا رفت، محمدسعیدی‌کیا، وزیر مسکن و شهرسازی وقت، طرحی را به نام «مسکن مهر» پیشنهاد داد تا با اجرای آن، دولت دو هدف مهم را محقق کند: اول قیمت مسکن کنترل شود و دوم «آرزوی همه مستاجرها برآورده شود». براین‌اساس مسکن مهر یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های دولت در جهت کاهش قیمت مسکن و تامین مسکن اقشار کم درآمد است.

بسیاری از کارشناسان و نمایندگان در این باره معتقد بودند که تصدی‌گری غیرعادی دولت در طرح مسکن مهر باعث به وجود آمدن تاخیر در تحویل واحدهای مسکونی شده و اجرای طرح مسکن مهر تاثیر مثبتی در کاهش تقاضای مسکن نداشته است.

اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها

گفتنی است ماجرای هدفمند کردن یارانه‌ها، بحثی تاریخی است که دولت‌های پیشین هم بدان مشغول بودند و بالاخره به همت دولت دهم اجرا شد.

براساس مصوبه مجلس شورای اسلامی دولت موظف بود ظرف بازه زمانی ۵ ساله یارانه کالاهای اساسی و انرژی را حذف کند و از درآمد حاصل از آن بخشی را به‌صورت پرداخت‌های نقدی به مردم و بخشی را نیز به تولید و بهداشت و کشاورزی اختصاص دهد.

در حال حاضر دو سال و ۷ ماه از اجرایی شدن قانون هدفمندسازی یارانه‌ها می‌گذرد و براساس اعلام دولت درآمد ۳۰میلیون نفر با هدفمندی یارانه‌ها افزایش یافته است.

با این حال کارشناسان و نمایندگان مجلس از همان روزهای اول اجرایی شدن این قانون، نسبت به عدم‌تخصیص سهم صنعت و تولید ابراز نگرانی می‌کردند و معتقد بودند که پرداخت نقدی یارانه‌ها به مردم در درازمدت کمکی به بهبود شرایط اقتصادی آنان نمی‌کند و چنانچه اوضاع تولید بهبود نیابد و درآمدها پایدار نباشند در نهایت اقشار کم‌درآمد بیشترین آسیب را از قانون هدفمندی یارانه‌ها می‌بینند.

اجرای کامل عدالت با سهام عدالت

وعده سهام عدالت ۸ سال پیش مطرح شد و هم‌اکنون ۴۲میلیون نفر در انتظار تحقق این وعده شش ساله دولت محمود احمدی‌نژاد هستند. براساس این مصوبه هیات وزیران در سال ۸۴ ، دولت اعطای سهام ۲۰ شرکت بورسی و ۳۰شرکت غیربورسی را که همگی هم ۱۰۰درصد سودده بودند به اقشار کم درآمد در دستور کار خود قرار داده بود. براساس گفته‌های مدیرعامل اتحادیه کشوری تعاونی‌های سهام عدالت، تاکنون حدود ۴۱ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر برای دریافت سهام عدالت ثبت نام کرده‌اند و از این تعداد حدود ۳۹میلیون و ۱۷۵ هزار نفر قطعا سهام عدالت خود را دریافت کرده‌اند.

۶ سال پس از وعده سهام عدالت و ۳سال پس از اجرایی شدن آن، هنوز نه تنها آنگونه که باید سودی پرداخت نشده بلکه وضعیت سهام مشمول این طرح نیز مبهم است.

تاکنون یک بار سود سهام عدالت به بخشی از دارندگان این سهام پرداخت شده که با توجه به اینکه پرداخت‌ها پیش از انتخابات سال ۸۸ صورت گرفت شائبه تبلیغاتی بودن آن را به همراه داشت.

مبارزه با مفاسد اقتصادی

«ای مردم! بدانید که خادم شما و اعضای دولت در مبارزه با مفاسد و تبعیض‌ها و جلوگیری از اجحاف، دست از تلاش برنخواهند داشت و در مبارزه با این عناصر شناخته شده تا آخر ایستاده‌ایم و سر سوزنی عقب نشینی نخواهیم کرد و به یاری الهی دست همه اینها را از بیت‌المال قطع خواهیم کرد». این بیانات پرشور، بخشی از سخنرانی محمود احمدی‌نژاد در جمع مردم استان قم در سال ۸۷ است.

البته احمدی‌نژاد از ابتدای ریاست‌جمهوری دولت نهم شعار مبارزه با مفاسد اقتصادی را در دستور کار اغلب سخنرانی‌های خویش قرار داده و مفسدان اقتصادی را تهدید به افشای نامشان کرده بود و گفته بود اسامی مفسدان اقتصادی در جیبش است. وی حتی یک‌بار مفسدان اقتصادی را تهدید کرده بود که چنانچه تا ۱۵ روز دیگر حسابشان را با بانک‌ها صاف نکنند اسامی آنها را اعلام می‌کند.

آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی (رئیس قوه قضاییه) در این باره گفته است: فهرست «۳۰۰مفسد اقتصادی» که محمود احمدی‌نژاد از آن سخن گفته بود «تبلیغاتی» است. بسیاری از اسامی این فهرست، قبلا محکوم شده‌اند، پرونده برخی بسته شده و برخی دیگر نیز «بی‌سند» بود.

احمدی‌نژاد در ۸سال گذشته، مبارزه با «فساد اقتصادی» را یکی از برنامه‌های اصلی‌کاری خود اعلام کرده است.

این درحالی است که محمدرضا رحیمی، معاون اول و برخی نزدیکان دولت او بارها از سوی چهره‌های قضایی و نمایندگان مجلس به فساد مالی متهم شده‌اند، سرانجام فهرستی که احمدی‌نژاد اواخر سال گذشته به قوه قضاییه فرستاد نیز مشخص نیست. با این‌حال بزرگ‌ترین فساد بانکی تاریخ در زمان دولت دهم اتفاق افتاده که در دستگاه قضایی در حال پیگیری است.

رنگین کردن سفره‌های مردم با پول نفت

آوردن پول نفت سر سفره‌های مردم یکی از نخستین شعارهای محمود احمدی‌نژاد در زمان انتخابات ریاست‌جمهوری نهم بود؛ وعده‌ای که البته بعدها از اساس تکذیب شد و رئیس دولت نهم مدعی شد هرگز چنین وعده‌ای نداده است.

البته مطلبی که در روزنامه کیهان در تاریخ ۳۱ /۳ /۸۴ چاپ شده بود و در آن از قول احمدی‌نژاد عنوان شده بود که «پول حاصل از توسعه صنعت نفت باید سر سفره‌های مردم قابل مشاهده باشد» ابهاماتی را در این خصوص به‌وجود آورده است. باوجود این، کم نیستند شعارها و وعده‌های رئیس‌جمهور درخصوص لزوم افزایش رفاه مردم. البته درخصوص افزایش یا کاهش سطح رفاه عمومی نیز آماری رسمی از خط فقر و برخی از شاخص‌های مهم در دست نیست.

یک میلیون تومان به هر نوزاد ایرانی

براساس مصوبه هیات وزیران دولت دهم، در جلسه روز هشتم آبان ۸۸ در مرکز استان خراسان رضوی قرار بود از تاریخ اول فروردین سال ۸۹ مبلغ یک میلیون تومان به حساب همه نوزادان متولد شده واریز شود. براین اساس قرار گذاشته بود برای همه متولدان پس از تاریخ ۸۹/۱/۱ توسط مجری طرح که بانک ملی ایران انتخاب شده بود، حساب سپرده بلندمدت افتتاح شود. موجودی اولیه این حساب مبلغ یک میلیون تومان بود که توسط بانک ملی به حساب نوزاد واریز می‌شد.

سن برداشت هم حداقل ۲۰ سالگی برای برداشت ۱۰میلیون ریال وجه اولیه و ۱۸ سالگی برای وجوهی که طی سال‌های دوم به بعد توسط والدین واریز می‌شد اعلام شد. این طرح رسما در نیمه‌شعبان سال ۸۹ در نهاد ریاست‌جمهوری با اهدای نمادین دفترچه حساب سپرده به ۱۲نوزاد متولد سال۸۹، آغاز شد. احمدی نژاد این طرح را هدیه امام عصر(عج) به ملت ایران تلقی می‌کرد و گفته بود امیدواریم در تمام خانواده‌های ایرانی عشق و محبت موج بزند و رحمت و برکات الهی بیش از گذشته بر ملت ایران نازل شود.

۶ ماه از وعده رئیس‌جمهور و افتتاح رسمی این حساب در نیمه شعبان، نگذشته بود که این طرح به‌دلیل کمبود اعتبار متوقف شد. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی وقت در این خصوص گفته است که «به‌دلیل مشکلات قانونی و همچنین عدم‌تامین اعتبار و منابع مورد نیاز، این طرح اجرایی نشد».

پنج‌شنبه‌ها روز خانواده!

رئیس‌جمهور ۲ سال پیش از احتمال تعطیلی همه مقاطع تحصیلی و ادارات دولتی در روزهای پنجشنبه خبر داد و گفت که ایران از نظر کم بودن تعطیلی‌ها در رده دوم کشورهای جهان قرار دارد.

رئیس‌جمهور گفت: ان‌شاءالله پنجشنبه‌ها نیز تعطیل می‌شود و من معتقدم باید اسم تعطیلی را هم عوض کنیم؛ به‌عنوان مثال آن را به‌عنوان «روز خانواده» نامگذاری کنیم.

تاکید بر افزایش تعطیلات رسمی در شرایطی بیان می‌شود که قبلا نمایندگان مجلس و مشخصا مرکز پژوهش‌ها از افزایش تعطیلات کشور انتقاد کرده و مضرات اقتصادی آن را گوشزد کرده بودند.

این وعده هنوز اجرا نشده و امیدوار هستیم که با انجام نشدن آن اثرات مخرب اقتصادی آن به کشور وارد نشود . جالب است بدانید که هر روز تعطیلی به کشور ۲هزارمیلیارد تومان خسارت وارد می‌کند.

شایسته‌سالاری و عدم‌انتصابات فامیلی

در کشور، نیروی متخصص کم نیست، افزایش آمار فساد در سال‌های اخیر می‌تواند متاثر از انتصاب‌های فامیلی باشد که اخیرا رواج پیدا کرده، نه اینکه خود آن فرد نالایق و بی‌کفایت باشد؛ دلیل اصلی نبودن تخصص و مهارت لازم است که خطای یک مدیر را دوبرابر می‌کند.

شایسته‌سالاری وعدم‌انتصابات فامیلی از شعارهای مهم محمود احمدی‌نژاد برای رسیدن به ریاست‌جمهوری بود؛ شعارهایی که با توجه به ادعای انتصابات فامیلی در دولت‌های گذشته بسیار مورد توجه قرار گرفت و بسیاری از جوانان شایسته را برای خدمت به کشور امیدوار کرد.

این در حالی است که مهدی خورشیدی آزاد، داماد محمود احمدی‌نژاد است که در دولت اول احمدی‌نژاد طی حکمی با امضای پرویز داوودی به سمت مشاور نهاد و دبیر شورای مشاورین رئیس‌جمهور رسید. وی همچنین چند سال پیش از سوی احمدی‌نژاد با حفظ سمت به ریاست سازمان ملی استاندارد و تحقیقات صنعتی منصوب شده بود که به سبب اعتراضات فراوانی که به این انتصاب صورت گرفت، منتفی شد.

حمیدرضا افراشته، داماد خواهر احمدی‌نژاد است که در سال ۸۴ به نهاد ریاست‌جمهوری رفت و در گروه مشاوران جوان این نهاد، معاونت استان‌ها را برعهده گرفت. وی بعدا به‌عنوان دبیر همایش بین‌المللی جوانان منصوب شد. همچنین احد قدمی، دیگر داماد پروین احمدی‌نژاد است که بعد از انتخابات شوراها، به صندلی مدیرکل حراست سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور رسید ولی بعد از اعتراضات گسترده از این سازمان جدا شد.

اما وی بعد از این انفصال اجباری، بیکار نشد و طی حکمی از سوی علی ترکاشوند، رئیس شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور، به سمت ریاست مجموعه ورزشی شهیدکشوری منصوب شد.

رویای ویلای ۱۰۰۰ متری

رئیس‌جمهور ۱۸ تیر ماه سال ۹۰ در چهاردهمین اجلاس سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور اعلام کرد که براساس طرح جدیدی که احتمالا تا پایان سال اجرایی می‌شود به هر خانوار ایرانی یک قطعه زمین ۱۰۰۰متری به‌صورت رایگان تعلق خواهد گرفت تا خانواده‌ها در آن باغ میوه و بنای مسکونی برای خودشان احداث کنند. احمدی‌نژاد افزود: ان‌شاءالله این طرح تا پایان سال آماده و در ۱۰ الی ۱۵منطقه به‌طور آزمایشی اجرا می‌شود.

از زمان طرح این موضوع – از تیر ماه دو سال گذشته تاکنون – سخنی از آن به میان نیامده است . با این حال با توجه به حجم انتقاداتی که درخصوص تامین نیازهای اولیه‌ای چون آب، برق، امنیت و... مطرح شده، باید دید در طرح دولت – درصورت ارائه – چگونه به این ابهامات پاسخ داده خواهد شد. حال که تنها بیست و چند روز از ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد باقی مانده است تا مشخص شود که این طرح، فقط بولوف بود و بس!

به نظر می‌رسد «وعده‌هایی که وعده ماندند» تیتر مناسبی برای ادعاهایی باشند که دولت داشت اما بعد از اینکه با رای مردم پاستورنشین شد، فراموش کرد که چه قول و قرارهایی با جامعه داشتند.